جام جم
فرهنگ
CULTURE
۵
سه‌شنبه ۱۲ خرداد ۱۴۰۵ شماره ۷۳۳۵

ارکستر ملی جاودانه‌های علی تجویدی را می‌نوازد

تازه‌ترین کنسرت ارکستر موسیقی ملی ایران با عنوان «از دیار نغمه‌خوانی» مشتمل بر اجرای آثار جاودانه زنده‌یاد علی تجویدی، آهنگساز و نوازنده فقید موسیقی کلاسیک ایرانی در تالار وحدت برگزار می‌شود. ارکستر موسیقی ملی ایران در ادامه اجراهای خود در سال جاری، با رهبری همایون رحیمیان و خوانندگی علیرضا فریدون‌پور، کنسرت از دیار نغمه‌خوانی را شامگاه ۲۰ خرداد در تالار وحدت روی صحنه می‌برد. این برنامه به بازخوانی و اجرای آثار ماندگار زنده‌یاد علی تجویدی، آهنگساز و نوازنده برجسته موسیقی ایران اختصاص دارد و منتخبی از خاطره‌انگیزترین قطعات این هنرمند نامدار در فضایی سرشار از نوستالژی و شکوه موسیقی ایرانی اجرا می‌شود. بابک شهرکی، نوازنده و آهنگساز شناخته‌شده موسیقی ایران نیز در این کنسرت به عنوان تکنواز (سولیست) ویولن، ارکستر موسیقی ملی ایران را همراهی می‌کند تا جلوه‌ای دیگر از ظرافت و غنای آثار استاد تجویدی در این اجرا به نمایش گذاشته شود. از دیار نغمه‌خوانی تلاشی است برای ادای احترام به یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های موسیقی کلاسیک ایرانی؛ هنرمندی که ملودی‌هایش سال‌ها است در حافظه شنیداری مردم ایران جاری است و با صدای خوانندگان بزرگ موسیقی ایرانی پیوند خورده است.





طنین مقاومت روی صحنه

ابراهیم پشت‌کوهی، کارگردان تئاتر: با کارگردانی این نمایش می‌خواستم به مردم هرمز ادای دین کنم

نسرین بختیاری
گروه فرهنگ و هنر

نمایش «ذرات آشوب» به‌کارگردانی ابراهیم پشت‌کوهی از تازه‌ترین اثر این کارگردان است که این‌روزها در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می‌رود. پشت‌کوهی که در سال‌های گذشته با آثاری متاثر از فرهنگ، آیین‌ها و زیست جنوب ایران شناخته شده است، در این نمایش نیز به‌سراغ جهانی رفته که از جنوب ایران یعنی زادگاهش سرچشمه می‌گیرد. این نمایش در گذشته یک‌نوبت دیگر با گروه بازیگران دیگری روی صحنه رفته و حالا همزمان با آتش‌بس و مسائلی که در تنگه هرمز و خلیج‌فارس به‌وجود آمد، دوباره روی صحنه رفته است. ناگفته نماند که افتتاحیه این نمایش هم به خانواده‌های شهدای ناو دنا و چند نفر از بازماندگان این حمله ناجوانمردانه تقدیم شد که از همه آنها با حضورشان روی صحنه تقدیر به‌عمل آمد. ذرات آشوب به مقاومت مردم در برابر پرتغالی‌ها و رهایی از یوغ آنها می‌پردازد. به‌تعبیر دیگر که البته جزو خلاصه نمایش است، می‌توان گفت داستان خیزش مردم در بستر عشق و خون است که جنون و جادوی جنوب را به‌همراه موسیقی زنده به‌تصویر می‌کشد. در آثار پشت‌کوهی به‌طور معمول روایت فقط برپایه داستان پیش نمی‌رود، بلکه موسیقی، حرکت، تصویر و فضاسازی صحنه‌ای نقش مهمی در شکل‌گیری معنا دارند. از این زاویه ذرات آشوب در امتداد تجربه‌های قبلی این کارگردان به‌حساب می‌آید؛ تجربه‌هایی که تلاش می‌کنند میان نمایش معاصر و عناصر بومی و آیینی پیوند برقرار کنند. این نمایش فرصتی است برای مواجهه با جهان نمایشی کارگردانی که همواره به‌دنبال خلق زبانی شخصی در تئاتر بوده و تلاش کرده ظرفیت‌های فرهنگ جنوب ایران را در قالبی امروزی و قابل گفت‌وگو بازآفرینی کند. از این رو، گفت‌وگویی با پشت‌کوهی کردیم که از نظر می‌گذرانید:

چه شد که دوباره این نمایش را با گروهی جدید روی صحنه بردید؟

در غرب، آثار شاخص به‌صورت ریپرتوار همیشه اجرا می‌شوند؛ به‌عنوان مثال، نمایش «تله‌موش» آگاتا کریستی، شاید بیش از ۷۰ سال روی صحنه بود و اگر با وضعیت خودمان مقایسه کنید، متوجه می‌شوید که یک تا دوسال برای اجراکردن یک نمایش، زمان زیادی نیست. بحث دیگر این‌که من یکسری کارها مثل «مکبث زار»، «کمدی الهی، جلد برزخ» و همین ذرات آشوب را دارم که قابلیت اجرا در کشورهای خارجی دارند و همیشه با استقبال روبه‌رو می‌شوند و به‌همین دلیل پرونده‌شان برایم باز است. ذرات آشوب بعد از اجرا در تهران، در بغداد و بندرعباس نیز اجرا شد و الان هم در سالن اصلی تئاتر شهر اجرا می‌شود؛ پس هنوز خیلی با این نمایش کار داریم. معتقدم نمایش موضوعی دارد که همیشه تازه است و غیر از نزدیکی به حس‌وحال امروز ما، شیوه و فرم اجرایی است که موجب می‌شود تازگی یک اثر در طول زمان از دست نرود. ذرات آشوب از هر دو منظر قابل توجه است. با کارکردن این نمایش می‌خواستم ادای دینی به زادگاهم و مردم هرمز داشته باشم؛ در واقع این نمایش سفارش‌شده از جایی نبوده است.

طراحی حرکات در این نمایش به شیوه خاصی انجام شده و بازیگران خط سیر خاصی برای ورود و خروج از صحنه دارند که با موسیقی همگام شده است. این شیوه با این گروه جدید چطور اجرا می‌شود؟

معتقدم هر صحنه‌ای باید به‌لحاظ بصری، حرکت، تصویر و ارزش دراماتیک و موسیقایی باشکوه باشد. وقتی تمام صحنه‌ها در نمایشم جایگاه خاصی داشته باشند؛ برایش وقت می‌گذارم. به‌هرحال برای تئاتر شاعرانه و بیومکانیک «مه‌یرهولد»، حرکت و بدن جایگاه خاصی دارد و بازیگران کار سختی را انجام می‌دهند. «گروتفسکی» معتقد است در قرن بیستم بعد از کشف اتم، کشف دوباره بازیگر اهمیت دارد. به جز این دیدگاه‌ها، من نگاه ویژه‌ای به تئاتر شرق دارم؛ چون افرادی از جمله «نیناگاوا» و «سوزوکی» از بزرگان که تئاتر معاصر را به‌شیوه بومی خود نزدیک و نمایش و حرکات آن را با فرهنگ خودشان تلفیق کردند. به‌هرحال نوع زیست و درک شما از جهان معاصر با یک بازیگر غربی متفاوت است و نوع بازی شما نیز باید متمایز باشد. به‌همین دلیل مراسم آیینی زار را در این نمایش می‌بینید و زمانی که در این مراسم قرار بگیرید، ریتم بدن‌تان با یک بازیگر غربی متفاوت است. به‌همین دلیل است که وقتی نمایش‌هایم در خارج از کشور اجرا می‌شود، برای‌شان جذاب است، چون خودشان ندارند. یادمان نرود ما تنها در صورتی می‌توانیم جهانی باشیم که ریشه‌های محلی و بومی خودمان را حفظ کنیم و چیز تازه‌ای برای ارائه داشته باشیم.

به‌نظر می‌رسد در حرکات عقب‌رفتن و جلوآمدن، نوعی تنوع بصری ایجاد می‌کنید که مخاطبان خسته نشوند.

بله اشاره درستی داشتید؛ تنوع در حرکات و ریتم به‌گونه‌ای است که اگر تئاتر را به شکل سمفونی در نظر بگیریم و کارگردان را به مثابه رهبر ارکستر، [آن‌گاه] سازبندی در این سمفونی و تعیین این‌که هر سازی کجا در خدمت هارمونی کار باشد، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند؛ نکته‌ای که در بازیگری هم برایم اهمیت دارد.

با توجه به تغییر گروه، هماهنگی بازیگران با موسیقی و حرکات چقدر زمان برد؟

بهرنگ عباس‌پور به‌عنوان آهنگساز کارهایم در تمام این سال‌ها زبان تئاتری من را می‌شناسد و بر مبنای آن طراحی انجام می‌دهد. به جز این، بازیگران قبلی ما به‌دلیل مشغله‌هایی که در کار تصویر داشتند، نتوانستند در این اجرا همراه ما باشند و بخش زیادی از گروه فعلی در اجرای بغداد و بندرعباس حضور داشتند و الان با تجربه اجرای آن روی صحنه می‌آیند. در حال حاضر تعدادی از بازیگران خانم جدید هستند و حضور یاشار نادری و بخشو از گروه قبلی به بچه‌های جدیدتر کمک کرد و شاید روزی ۸ ساعت تمرین می‌کردند تا به آمادگی فعلی برسند. برای اجرای دوباره این کار از اتابک نادری و امیرحسین شفیعی که عشق به میهن و وطن به اندازه‌ای برای‌شان زیاد بود که پای کار آمدند، تشکر می‌کنم. فعلا بچه‌ها هیچ دستمزدی نگرفتند تا از بلیت فروشی این درآمد را به‌دست بیاورند.

به‌نظرتان چه زوایایی از این نمایش می‌تواند مخاطبانی را که کار شما را ندیده‌اند، به دیدنش ترغیب کند؟

این نمایش از چند منظر می‌تواند مورد توجه مخاطبان باشد؛ اول این‌که اگر عاشق ایرانید و خاک‌تان را دوست دارید و می‌خواهید شکوه ایستادگی مردم جنوب را ببینید، این کار می‌تواند نمایشی درخور برای شما باشد. در شیوه اجرایی نمایش نیز جذابیت‌های بصری‌ای وجود دارد که داوران جشنواره‌های داخلی و خارجی به آن اشاره کردند و حظ بسیاری بردند. از سوی دیگر موسیقی که با حرکت بازیگران عجین شده یکی از مسائل مورد توجه است. اگر مخاطبی به دنبال ریشه‌ها و اصالت نمایشی است که به نمایش‌های شرقی و جنوب ایران علاقه‌مند است، ذرات آشوب، به‌خصوص در دوران فعلی و تهدیدهای موجود، می‌تواند مورد توجهش باشد.

همیشه خلیج‌فارس حوزه نفوذ ما در دوره‌های مختلف بوده و شاهد مقاومت مردم بودیم. پرداختن به این مسائل تا چه اندازه می‌تواند یادآور ایستادگی مردم مقابل تجاوز دشمن یا مبارزه با استعمار باشد؟

ما در زمینه ساخت نمایش برای جزیره هرمز، چه در بخش سینما و چه تئاتر، کم‌کاری کرده‌ایم؛ یعنی برای اقلیم هرمز و بخشی که مربوط به غرور ملی، شکوه و عظمت یک ملت است، کار زیادی انجام ندادیم و نمایش ما از جمله معدود آثار در این حوزه است. متاسفانه مردم تصویر روشنی از اتفاقات گذشته جنوب ایران و هرمز ندارند و شاید تنها به‌یاد بیاوریم که چندین سال پیش سریال «دلیران تنگستان» ساخته شد. در گذشته می‌گفتند هرمز نگین خلیج‌فارس است و ابن بطوطه می‌گفت نگین دنیاست اما این روزها ثابت شد که هرمز قلب این خاک و زمین می‌تواند باشد.

برش

اجرایی به‌یاد و احترام شهدای مظلوم ناو دنا

ابراهیم پشت‌کوهی، کارگردان نمایش ذرات آشوب درباره افتتاحیه این نمایش با حضور خانواده‌های شهدای دنا و بازماندگان آنها بود، به جام جم گفت: «این‌ها کسانی هستند که مظلوم از این دنیا پر کشیدند، چون حتی در جریان جنگ هم نبودند و خارج از آن بودند. باید برای کسانی که در تمام طول تاریخ جان‌شان را فدای این خاک و کشور کردند، احترام قائل باشیم. همچنان که از کیان پیرفلک یاد کردم، از کودکان میناب هم یاد می‌کنم که فرشتگان معصومی بودند که صدای مظلومیت آنها باید شنیده شود. بسیاری از بازماندگان این واقعه به‌سختی می‌توانستند راه بروند. مگر می‌شود شما انسان باشید و نسبت به انسان‌های دیگر به‌خصوص هموطن خود بی‌تفاوت باشید. ما در یک چیز فارغ از تمام اختلافات مشترکیم و آن میهن‌مان است و این حرف اصلی نمایش ماست.

الهام ملک‌زاده | پژوهشگر تاریخ معاصر

تداوم ساختاری و بازتولید تمدنی در ایران‌زمین

استمرار تمدنی ایران (Iranian Continuity) در مطالعات شرق‌شناسی و تاریخ‌نگاری معاصر نه به مثابه یک توالی تقویمی ساده بلکه در قالب یک منظومه ساختارمند تحلیل می‌شود که توانسته از خلال گسست‌های حاد تاریخی، هسته سخت هویت خود را بازسازی کند. این پویایی در وهله نخست، ریشه در اصالت سرزمینی و تشخص یافتن ایده «ایران‌شهر» دارد؛ مفهومی که گراردو نیولی آن را فراتر از مرزبندی‌های قومی، به مثابه یک آرمان سیاسی-قلمروی واحد تبیین می‌کند. (نیولی، ۱۳۷۳، ص ۸۵)

این ثبات انگاره‌ای چنان بود که حتی با زوال دیوان‌سالاری ساسانی، جغرافیای فلات ایران به‌عنوان یک واحد اداری و فرهنگی در ذهنیت حکمرانان بعدی تثبیت شد به‌گونه‌ای که آرتور کریستنسن تداوم نظامات مالیاتی و اداری کهن در سده‌های نخستین اسلامی را گواهی بر تفوق سیستمیک نظم ایرانی بر اراده فاتحان می‌داند. (کریستنسن، ۱۳۶۸، ص ۵۰۵)

در لایه‌ای عمیق‌تر، آنچه غنای تاریخی این سرزمین را در برابر استحاله فرهنگی مصون داشت، بازتولید حافظه حماسی و وساطت نهاد «دهقانان» در انتقال میراث معنوی بود. تئودور نولدکه بر این باور است که انتقال آگاهانه اساطیر ملی به متون دوره اسلامی، یک مکانیسم دفاعی برای حفظ اصالت ملی محسوب می‌شد. (نولدکه، ۱۳۵۷، ص ۱۴)

در این فرآیند، تمدن اسلامی نه به مثابه یک عامل گسست بلکه در نقش یک کاتالیزور جهانی، با پیوند زدن آرمان‌های عدالت‌پژوهی ایرانی به جهان‌بینی توحیدی، ابعادی قدسی به این میراث بخشید. شاهرخ مسکوب در این خصوص معتقد است ایران تمدنی است که هویت خویش را در «زبان» و «روایت» بازسازی کرده و از این طریق بر زمان پیروز شده است. (مسکوب، ۱۳۷۳، ص ۴۲)

عبدالحسین زرین‌کوب نیز با واکاوی این هم‌آمیزی تصریح می‌کند که ایرانیان با پذیرش اسلام، روح تمدنی خویش را در کالبد یک رسالت جهانی دمیدند و با در اختیار گرفتن سیستم دیوان‌سالاری و علمی، عملا ساختار امپراتوری اسلامی را بر بنیاد نخبگی ایرانی استوار کردند. (زرین‌کوب، ۱۳۶۲، ص ۲۱۰)

بدین ترتیب تداوم ایران محصول یک نبوغ درونی در به‌روزرسانی ساختاری است. ریچارد فرای با تأکید بر مفهوم «Persianization» نشان می‌دهد چگونه خرد دیوانی ایران در قلب تمدن جدید بازسازی شد. (فرای، ۱۳۶۳، ص ۱۵۵)

شهید مرتضی مطهری نیز در تحلیل این تعامل، حضور نوابغ ایرانی در حوزه‌های علمی و فلسفی را نه یک اجبار بلکه میل درونی تمدنی می‌داند که همواره مستعد نوزایی (Renaissance) است. (مطهری، ۱۳۶۲، ص ۶۵)

تجمیع این حقایق تاریخی نشان می‌دهد که در چنین منظومه تمدنی کهنی، چه در گذشته و چه در دوران معاصر، نه تنها باید منتظر بازتولید توانمندی‌های نهادینه شده در ساختار فرهنگی این سرزمین بود که با فراهم شدن امکانات بالفعل، همواره قابل حصول است. بلکه اساساً طرح ادعاهای نابخردانه‌ای چون «بازگشت به عصر حجر»، بیش از آنکه یک واقعیت سیاسی باشد، حکایت از خلأ عمیق دانش و فقدان فهم دقیق از مکانیسم‌های بقای تمدنی ملتها دارد. تمدنی که با تکیه بر میراث اساطیری، خردِ دیوانی و پیوند با سنت ستبر اسلامی از میان بحران‌های سهمگین تاریخی قد برافراشته، نه یک واحدِ میرا، بلکه ارگانیسمی زنده است که ظرفیت‌های نهفته‌اش فراتر از تلاطم‌های مقطعی، در متنِ ساختارِ فرهنگی‌اش حک شده است.

جام جم

در هشتادمین سالگرد تاسیس «انجمن ایران‌شناسی» مطرح شد

ایران فراتر از یک جغرافیا

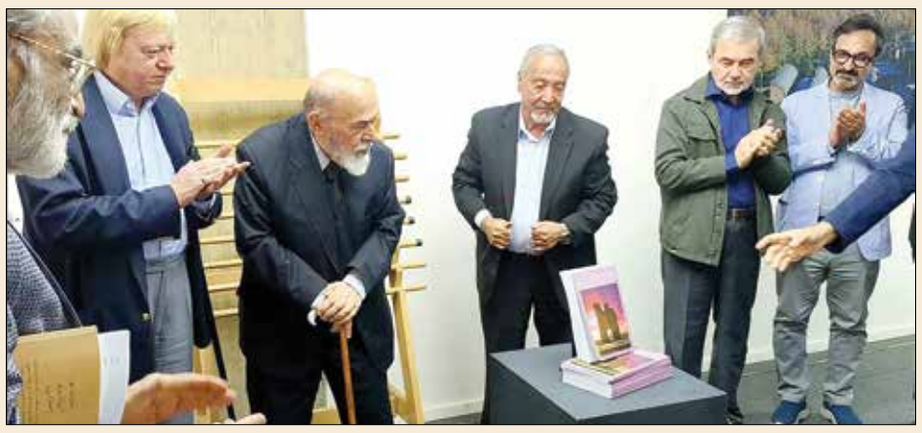


آزاده صالحی
گروه فرهنگ و هنر

هشتادمین سالگرد تاسیس «انجمن ایران‌شناسی» روز گذشته با حضور جمعی از چهره‌های فرهنگی نامدار در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار شد.

به گزارش خبرنگار روزنامه جام جم، در ابتدای این نشست، محمود جعفری‌دهقی، زبان‌شناس و محقق، با اشاره به این‌که کشور ما همواره با چالش‌های مختلفی دست‌به‌گریبان بوده، نیاز به ایران‌شناسی ضروری است، گفت: ایران‌شناسی که در تعریف کلاسیک خود به مطالعه تاریخ فرهنگ، تمدن و هنر ایران می‌پردازد، امروز فراتر از یک کنجکاوی آکادمیک، به ضرورتی عینی برای بقا، بازسازی و تعریف جایگاه ایران در جهان تبدیل شده است. از این رو، ایران، امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازتعریف و تقویت این حوزه است. بحران هویت در شرایط کنونی یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه ما به‌شمار می‌رود، به‌خصوص این‌که این آسیب امروز در محافل دانشگاهی و فضای مجازی بیشتر به‌چشم می‌خورد. طبعا بحران هویت که همیشه با تحریف هویت ملی توام است، به گسست‌های فرهنگی-اجتماعی منجر می‌شود و خواسته تبلیغات مدرن نیز همین است که جوانان را نسبت به پیشینه فرهنگی خود بیگانه کند. درحالی‌که شناخت ایران و اصولا مبحث ایران‌شناسی می‌تواند در حفظ حافظه تاریخی یک ملت نقش زیادی داشته باشد.

مدیر پیشین گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی و ایران‌شناسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران اضافه کرد: مشروط بر این‌که شناختی که نسبت به ایران انجام می‌دهیم فارغ از نگاه موزه‌ای، برای جامعه امروز کاربرد داشته باشد تا بتوان آن را به زبانی ملموس به نسل جوان منتقل کرد. ما در این مسیر دو ابزار قدرتمند در دست داریم. نخست خود ایران است که سرزمینی با تنوع قومی و زبانی غنی قلمداد می‌شود. در این بین زبان فارسی هم به‌عنوان میراثی ارزشمند، نقطه اتصال اقوام مختلف شده است. دیگری زبان فارسی است که بدون شناخت ایران نمی‌تواند کارایی لازم را در پی داشته باشد.



در ادامه این نشست، نصرالله پورجوادی، فلسفه‌شناس و مدرس دانشگاه به ارائه مقاله مطولی در باب ایران‌شناسی و اخوان صفا پرداخت. همچنین، بهمن نامورمطلق، رئیس انجمن هنر و ادبیات تطبیقی گفت: به‌رغم حوادث مختلفی که در طول تاریخ بر سر کشور ما رفته و بارها تحت اشغال بیگانگان درآمده است، اما در همه شرایط، ایران باقی مانده است. اسکندر، ایران را ویران کرد؛ در روایات آمده است که چون خود را ایرانی می‌دانسته کشته شده است، درحالی‌که واقعیت این است، اسکندر زمانی که ایران را کشف کرد، آن‌قدر در این سرزمین ماند تا کشته شد.

این استاد تمام دانشگاه شهید بهشتی با بیان این‌که ایران‌شناسی فراتر از یک رشته است ادامه داد: ایران‌شناسی غربی‌ها با ایرانی‌ها متفاوت است. خارجی‌ها به آن به شکل یک رشته نگاه می‌کنند، درحالی‌که ما در متن ایران زندگی می‌کنیم. به همین خاطر است که معتقدم ما می‌توانیم نگاه جامع‌تری نسبت به این مقوله داشته باشیم، به‌خصوص این که ایران‌شناسی با پتانسیل گسترده‌ای که در اختیار دارد، تمام رشته‌ها را دربرمی‌گیرد. در نتیجه نگاه ما هم نسبت به این مقوله می‌بایست فراگیر باشد. از سوی دیگر، ایرانیان دستگاه کامل اسطوره‌شناسی دارند که بدنه فرهنگی را تامین می‌کند.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید